

کفت و کوبی با جواهر ساز نیاوندی آقای شکرالله جواهریان

اشاره:

یکی از اهداف فصل نامه در راستای نهادندشناسی و نهادندپژوهی، اطلاع رسانی در خصوص پیشینه و سابقه‌ی مشاغل هنری نهادند است که بعضاً فراموش شده یا در حال فراموشی‌اند. لذا فرهنگان تلاش می‌کند برای ثبت آثار این گونه مفاخر نهادندی، به منظور آگاهی نسل جوان و نسل‌های آینده شخصیت‌های صنعت‌گر و هنرمند شهرمان را در حد توان معرفی کند. «فرهنگان» به همین منظور در این شماره گروه مصاحبه‌ی مؤسسه به سراغ آقای شکرالله جواهریان رفتند تا با پیشینه‌ی هنر جواهرسازی در نهادند آشنا شویم.

«فرهنگان»

معرفی استاد حاج شکرالله جواهریان

یکی از وجوه مشترک جوامع انسانی و تمدن‌های قدیم و جدید، پی‌بردن به ارزش طلا و کار بر روی این عنصر جادویی و فریبنده و در عین حال کم‌یاب و با اهمیت است. اهمیت طلا به اندازه‌ای است که در باور بسیاری از مردم جهان داشتن طلا ثروت‌مندی و بی‌نیازی تلقی شده و می‌شود. به گواهی تاریخ بسیاری از وقایع و فجایع و جنگ‌های خانمان سوز و اتفاقات عجیب و غریب بر سر به‌دست آوردن و کسب و تصاحب طلا و گنج‌های زرین پدید آمده‌اند.

طلا یکی از نادر عناصری است که نه تنها با گذشت زمان از ارزش و اهمیت آن کاسته نشده بلکه روز به روز ارجمندتر و عزیزتر گشته تا جایی که در دنیای معاصر نقش بسیار تعیین‌کننده و سرنوشت‌سازی در اقتصاد کشورها یافته و پشتوانه‌ی سرمایه و پول ملی آن‌ها گردیده است.

از این رو، عجیب نیست که صنعت طلاسازی را در همه‌ی جوامع و همه‌ی زمان‌ها یکی از صنایع شکوفا، بالنده و محوری می‌یابیم. این صنعت در ایران از عهد باستان تاکنون مورد توجه دولت‌ها و صاحبان سرمایه و مورد اقبال صنعت‌گران با ذوق بوده است. عتیقه‌ها و آثار طلایی کشف شده نشان‌دهنده‌ی این توجه و اقبال در طول تاریخ این دیار است.

آن‌چه که صنعت طلاسازی را در ایران رنگ و رونق ویژه‌ای بخشید، امتزاج آن با هنر و ذوق هنرمندان ایرانی است که خاصیت ارزشمندی و سحرآمیزی و فریبندگی این فلز را دست‌مایه‌ی بروز آفرینش‌های اعجاب‌برانگیز هنری خود کرده‌اند. یکی از این هنرمندان و صنعت‌گران با ذوق، همشهری گرامی استاد شکرالله جواهریان است که در

این رشته چهره‌ای معتبر و صاحب سبک و در نزد آشنایان به هنر جواهر و طلاسازی، شناخته شده و پرآوازه است.

ایشان، به مدد ذوق و استعداد خداداد و همچنین اطلاعات و آشنایی عمیقی که به آثار عتیقه و تاریخی دارد، به صنعت جواهرسازی جلوه و ارزش هنری شایان و درخوری بخشیده و هم‌چون نیاکان هنرمندش، طلا و جواهر را عرصه‌ای برای بروز ابداع، ابتکار و خلاقیت‌های هنری خویش ساخته است. وی با الهام گرفتن از آثار باستانی، به طراحی و ساخت پیرایه‌ها و زینت‌آلاتی ذی‌قیمت و بی‌نظیر پرداخته است، که نشان از اهتمام و کوشش بلیغ استاد در احیای سبک‌های هنری ایران باستان دارد.

استاد شکرالله جواهریان در پانزده سالگی هنر طلاسازی را نزد دایی خود، مرحوم حبیب‌الله جواهریان، در نهاوند آموخت و دیری نگذشت که خلاقیت و استعداد شگرف خویش را در این زمینه به ظهور رسانید. کارهای استاد همواره از سوی استادان این هنر با دیده‌ی تحسین و شگفتی نگریسته شده و الهام بخش آنان بوده است. در حال حاضر، اکثر اوقات استاد در کارگاه کوچکش در تهران می‌گذرد. کارگاه کوچکی که عرصه‌ی آفرینش آثار هنری بزرگ و ارزشمند ایشان است. توفیق و سعادت این همشهری هنرمند و فرزانه را از خداوند مسئلت داریم.

نورخدا شیراوند

جناب آقای جواهریان، ضمن معرفی خود، با توجه به این که حضرت‌عالی از مبتکران و بنیان‌گذاران صنعت طلا و جواهرسازی در نهاوند بوده‌اید لطفاً در مورد تجربیات و هم‌چنین استادان خود در این زمینه توضیح دهید.

ضمن تشکر از شما، سعی می‌کنم از فرصتی که در اختیارم قرار داده‌اید اختصاراً و در حد بضاعت اطلاعات لازم را به منظور آشنایی مخاطبین محترم فصل‌نامه توضیح دهم. بنده در سال ۱۳۰۷ شمسی در نهاوند متولد شده‌ام. دوران طفولیت و تحصیلات را تا پایان کلاس ششم ابتدایی، با موفقیت در همان شهر گذراندم و در ۱۵ سالگی به سبب علاقه‌ی وافر که به کار زرگری داشتم - که متأسفانه با فوت مرحوم پدرم هم‌زمان شد - نزد دائی خود، حاج حبیب الله جواهری و سپس نزد استاد حشمت شهبازی شاگردی کردم، به طوری که در ۲۲ سالگی صنعت زرگری را فرا گرفتم.

پسر آقای شهبازی هم، که به کار معلمی اشتغال داشت در اوقات فراغت به کار زرگری و مخراج‌گری می‌پرداخت، شاید بتوان گفت که ایشان از مبتکرترین صنعتگرانی بود که اشیای زیبا و جدیدی را در آن‌زمان می‌ساخت و برای فروش و ارائه به علاقه‌مندان آماده می‌کرد. گفتمی است، با این که صنعت مخراج‌گری و جواهرسازی در نهاوند وجود نداشت ولی آقای شهبازی با مایه و استعدادی که در این زمینه داشت اشیای عتیقه‌ای را از تاجری کلیمی به نام حاج یوسف امین، که در کار خرید و فروش عتیقه عمدتاً بین کرمانشاه و نهاوند فعالیت می‌کرد خریداری می‌کرد و به عنوان نمونه‌ی اولیه مورد استفاده قرار می‌داد. من هم همواره سعی می‌کردم با دقت لازم روش‌های کار را از ایشان بیاموزم.



آقای جواهریان لطفاً راجع به صنعت مخراج‌گری و پیشینه‌ی آن بیش‌تر توضیح دهید. مخراج‌گری به مفهوم استوار کردن یا نصب اشیای غیرفلزی از قبیل سنگ‌های قیمتی و زینتی، مانند الماس، یاقوت و فیروزه، لعل و غیره بر روی طلاست. به گونه‌ای که در انواع زیورآلات زینتی، خصوصاً برای استفاده‌ی خانم‌ها، در فروشگاه‌های مختلف عرضه‌ی آن‌ها ملاحظه می‌شود. *رتال جامع علوم انسانی*

بدون اغراق می‌توانم ادعا کنم این صنعت برای اولین بار، همان‌طوری که اشاره شد، توسط آقای شهبازی و سپس این‌جانب در نهاوند آغاز گردید. روش ساخت هم واقعاً به ابتکار و خلاقیت سازنده بستگی داشت. همان‌طور که اشاره شد، شخصی به نام حاج یوسف امین و حاج ناتان، که از جماعت اقلیت‌های سرشناس دینی (کلیمی) و ساکن نهاوند بودند اشیای عتیقه و زیبایی را از شهرهای اطراف نهاوند، خصوصاً کرمانشاه،

خریداری می‌کردند و برای تعیین قدمت و قیمت، آن‌ها را به مرحوم حاج حبیب‌الله جواهری و استاد حشمت‌الله شهبازی ارائه می‌دادند. هنگام مشاهده‌ی این اشیای با توجه به علاقه‌ی وافری که به صنعت زرگری و خصوصاً مخراج‌گری داشتم همواره آرزویم این بود که روزی بتوانم نظایر این اشیاء را شخصاً از فلز طلا بسازم و پرداخت کنم و به علاقه‌مندان ارائه دهم. لذا برای تحقق این امر به صورت آزمایشی با ورق‌های فلزی، مثلاً از پیت‌های حلبی روغن، که در دسترس داشتیم، ابتدا و پس از طراحی‌های لازم بر روی کاغذ و با صرف وقت بسیار، الگوهای تهیه می‌کردم. سپس با همین شیوه مدت‌ها به تمرین خود ادامه می‌دادم. البته، پس از کسب مهارت‌های لازم، بعدها همین طرح‌ها را از جنس طلا ساخته و در اختیار مشتریان و سفارش‌دهندگان قرار می‌دادم، از جمله‌ی این کارها ساخت مدل حیوانی مانند خوک بود که در آن زمان با طلای مثقالی ۴۵ تومان ساخته شد، به‌طوری که بعد از ساخت، مثقالی ۱۰۰ تومان به فروش می‌رفت. شنیدم که تصویر این کار به عنوان یک اثر ارزشمند هنری نهادند در تألیفات محقق و باستان‌شناس مشهور فرانسوی به نام پروفیسور گریشمن، که در سال‌های گذشته در تپه‌ی گیان نهادند از طرف موزه‌ی لوور فرانسه کاوش‌های باستان‌شناسی انجام می‌داده و شهرت بین‌المللی نیز دارد، به چاپ رسیده است.

شما در چه سالی از نهادند به تهران مهاجرت کردید؟

این‌جانب، در سال ۱۳۳۷ برای تکمیل و ارتقای معلومات صنعتی خود به تهران مهاجرت کردم. پس از تهیه‌ی مکانی در خیابان منوچهری با توجه به سفارش‌هایی که از

مشتری‌های خاص خود دریافت می‌کردم، با توکل به خداوند کار را ادامه دادم. این مشتری‌ها کسانی بودند که در همان سال‌های اقامت در نهاوند نسبت به شیوه‌ی هنری و ارزش کارهای دست‌سازم شناخت کامل داشتند. لذا روز به روز کار ما نیز پررونق‌تر شد تا آن‌جا که گاهی به لحاظ کم‌بود وقت جواب‌گوی درخواست آنان نمی‌شدم.

لطفاً بفرمایید آیا در حال حاضر ساخت مجسمه‌ی حیوانات مانند گوزن و انواع پرندگان و سایر مظاهر طبیعت از طلا و جواهر با دست ساخته می‌شود یا ماشین‌آلات و ابزارها و قالب‌هایی هم برای این کار مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

طلاسازی دستی در حال حاضر یکی از پیچیده‌ترین و ارزشمندترین هنرهای دستی به شمار می‌رود و اهل فن و علاقه‌مندان ارزش والایی برای این هنر قائل‌اند به همین دلیل صرف‌نظر از ارزش مادی، این قبیل دست‌ساخت‌ها اغلب به عنوان ارزش‌های فرهنگی هر ملت تلقی می‌شود و با جلوه‌های چشم‌نواز خود در موزه‌های مشهور جهان در معرض دید دوستداران فرهنگ و تمدن جوامع بشری قرار می‌گیرد.

جناب‌عالی در متن مصاحبه به استادان خود مرحوم حاج حبیب‌الله جواهری و مرحوم شهبازی اشاره کردید، لطفاً شیوه‌ی کار و نوع طلاسازی این دو بزرگوار را هم برای خوانندگان فصل‌نامه توضیح دهید.

گوشواره‌های تخت و مشبک و دست‌سازی، که نمونه‌های آن در خانواده‌های قدیمی روستایی نهاوند وجود دارد، اغلب، کار آن دو بزرگوار بوده است. در بررسی‌هایی که توسط متخصصین این فن به عمل آمده، با توجه به نوع ساخت و ابتکاراتی که در آن به کار رفته، در عصر خود بسیار ارزشمند و مورد توجه بوده، به گونه‌ای که صنعت‌گران امروزی به دلیل ابتکارات منحصر به فردی که در آن به کار رفته‌است قادر به ساخت

آن‌ها نیستند. طرح‌ها و زینت آلاتی که توسط این دو صنعتگر مبتکر خلق می‌شد عبارت بودند از گردن‌بند و گوشواره‌های تخت که چند یاقوت یا به اصطلاح اشرفی گران‌بها نیز در ساخت آن به کار می‌رفت. هم‌چنین گردن‌بندهای عاج و انواع دیگری که اسامی سفارش دهندگان هم با حروف انگلیسی و فارسی روی آن‌ها حک می‌شد، نمونه‌هایی از آثار آنان به شمار می‌رود.

لطفاً در مورد گوشواره‌هایی که اشاره داشتید توضیح بیش‌تری بفرمایید. این نوع کارها اصولاً به صورت مشبک طراحی و ساخته شده‌اند و الآن هم از کارهای هنری در این صنعت به شمار می‌رود. نحوه‌ی کار هم به این شکل است که ابتدا پس از نمونه‌برداری، دایره‌ی کاملی از طلای ضخیم ساخته می‌شود. سپس روی آن‌را با حالتی بسیار ظریف با قشر نازکی از طلا می‌پوشانند و به صورت دو لایه مانند طناب تاب می‌دهند و بعد آن‌را در درون قاب‌هلالی، به شکل به اصطلاح گل‌بار، حالت می‌دهند. قیمت طلایی که در ساخت این گوشواره‌ها به کار رفت، گرمی ۱۰ - ۱۲ تومان بود که به لحاظ قدمت کار و عتیقه بودن آن، علاقه‌مندان در تهران با گرمی ۲۰ تومان هم آن‌را خریداری می‌کردند.

آیا در نهادند به جز آقایانی که نام بردید صنعتگران دیگری هم به این حرفه می‌پرداختند؟ بله دو نفر دیگر به اسامی استاد حشمت و حاج علی در کوچ‌هی گیوه‌کش‌ها و مرحوم جواهری در همین محل فعلی، جنب حمام مولوی سابق، که فعلاً به نام حمام ظفری تغییر نام داده است، اشتغال داشتند. مغازه‌ی مرحوم شهبازی هم، در بازار بزازها نرسیده به کوچ‌هی قرض‌دارها، واقع شده بود.



لطفاً راجع به بوتهی زرگری و نحوه‌ی استفاده از آن در صنعت طلاسازی توضیح دهید .
 بله ، بوتهی زرگری ابزاری است که از روزگاران قدیم تاکنون برای آب کردن طلای خالص و تعیین عیار، از آن (مثلاً از ۲۴ - ۱۸) استفاده می‌کردند. لازم به توضیح است که جنس طلا در حالت خلوص بسیار نرم و قابل انعطاف است. به همین دلیل طلای خالص برای ساخت اشیائی مانند مجسمه و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرد. لکن به وسیله‌ی این ابزار عنصر دیگری مانند مس را به میزان معین در آن ترکیب می‌کردند. زینت آلات را نیز، با عیارهای مختلف، مثلاً گوشواره‌های تخت (که با عیار ۲۰ ساخته می‌شد) می‌ساختند. برای این منظور با استفاده از وسایلی مانند چرخ و حدیده کم کم طلا را به مفتول‌های بسیار نازکی تبدیل و پس از تاباندن به صورت دو لایه برای ساخت زینت آلات آماده می‌کردیم. در حال حاضر در شهر زنجان برای ساخت اشیای زینتی

مشبک از فلز نقره استفاده می‌کنند و تقریباً همان شیوه‌ی تبدیل طلای تخت به اشیای مشبک را به کار می‌برند.

شیوه‌ی کار، بدون قالب بود و به صورت اشیای توخالی تهیه می‌شد. به‌طور کلی هنرهای مستظرفه و دستی به‌گونه‌ای است که آموزش آن کاملاً محدود بود و هنرمندانی از این دست در گذشته به سادگی معلومات خود را به شاگردان خود بروز نمی‌دادند و با توجه به همان ضرب‌المثل فوت و فن کوزه‌گری، که نباید از آن غافل باشیم، در این خصوص خیلی دست و دلباز نبودند.

ناگفته نماند، اگر حمل بر خودستایی نشود، بنده همواره معلومات خود را در اختیار شاگردان قرار می‌دادم. از جمله آقای شیراوند که بحمدالله فعلاً خودشان از بهترین هنرمندان و صنعت‌گران در این بخش هستند. اما لازمه‌ی توفیق داشتن در این کار، اولاً داشتن علاقه و عشق هنری است و در مرحله‌ی بعد، داشتن هوش و ذکاوت و هم‌چنین صرف وقت است. مثلاً بی‌اغراق عرض کنم، من، برای ساختن گوساله‌ای که از پستان مادر شیر می‌خورد، چندین بار به شمال مسافرت کردم تا با مشاهده‌ی این صحنه از نزدیک آن را به همان وضعیت طراحی کنم و بسازم. شاید این اثر هم‌اکنون در موزه‌های معروف وجود داشته باشد. البته همه این صحنه‌ها را با ذهن خود مجسم می‌کردم و به خلق آن آثار اهتمام می‌ورزیدم.

با توجه به توضیحاتی که فرمودید تاکنون به‌چه میزان به خلق آثاری به شکل حیوانات با سبک قدیم و میراث فرهنگی مکشوفه موفق شده‌اید؟
البته نوع آن‌ها را به یاد ندارم و تاکنون حدود ۳۰۰ نوع از این دست ساخته‌ها را در کارنامه‌ی خود دارم.

آیا همه‌ی این آثار را به فروش رسانده‌اید؟

بله، اشخاص مختلف، خصوصاً خارجی‌ها، این ساخته‌ها را خریداری و بعضاً به خارج از کشور منتقل کرده‌اند.

آیا در مورد مفرغ لرستان، که تقریباً شهرت بین‌المللی دارد، اطلاعاتی دارید و یا تاکنون بر اساس آن طرح‌ها شیئی را ساخته‌اید؟

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، اصولاً کسانی که در کار خرید و فروش عتیقه فعالیت می‌کردند این قبیل اشیای را برای ارزیابی و تعیین قیمت به استاد ما ارائه می‌دادند. بزطلایی و خوگ طلایی از نمونه کارهایی بود که من با برداشت از همین مفرغ لرستان ساختم. البته مفرغ لرستان الهام بخش هنرمندان و صنعت گرانی است که مثلاً با چوب یا برنز یا نقره و بسیاری از عناصر دیگر به خلق آثار هنری می‌پردازند.

لطفاً در مورد نوع ساخت طلا به صورت ماشینی و دستی توضیح بیشتری بفرمایید.

در گذشته اصولاً اشیائی که به صورت ماشینی ساخته می‌شد طرفداران چندانی نداشت چرا که معتقد بودند طلای به کار رفته در آن دارای معیار پائینی است. برعکس اشیای طلایی دست‌ساز، مانند همان گوشواره‌های تخت سنتی را بیش‌تر می‌پسندیدند. اما در حال حاضر با توجه به این که تقریباً ۹۹٪ طلا فروشان از صنعت طلاسازی بی‌اطلاع‌اند و فقط به کار فروش آن اشتغال دارند طبیعتاً طلای ماشینی و جهی بیش‌تری پیدا کرده و تقاضا در این مورد زیادت‌تر است. درحقیقت می‌توان اشیای طلایی دست‌ساز و ماشینی را با فرش ماشینی و فرش دست‌باف مقایسه کرد که واقعاً از نظر ارزش هنری به هیچ وجه در یک طراز قرار نمی‌گیرند. چرا که کار دست در هر رشته‌ی صنعتی طبیعتاً دارای ارزش ویژه است.

چنان‌چه خاطراتی از دوران فعالیتان در نهاوند در کار زرگری دارید مختصری توضیح دهید.

در ایامی که به صورت مستقل مغازه‌ای در اطراف میدان ابوذر فعلی نهاوند دایر کردم، اولین حرکت ابتکاری من طراحی و ساخت نمونه‌ی گلوبند طلایی به شکل کله‌ی گاو بود که در مقایسه با گوشواره‌های تختی که قبلاً توضیح دادم، کاری جدید و ابتکاری به‌شمار می‌رفت. لذا بسیار مورد توجه خانواده‌های مرفه آن روزگار قرار گرفت و با سفارش‌هایی که دریافت می‌کردم واقعاً بسیار خوشحال بودم و این خود باعث تشویق بیش‌تر من در زمینه‌ی ارائه‌ی کارهای جدیدتری می‌شد.

آیا اشیای طلایی بکر و قدیمی را که جنبه‌ی تاریخی داشته باشد، از مشتریان خود دریافت می‌کردید؟

حقیقت امر این است که نهاوند به لحاظ موقعیت تاریخی و استثنایی خود، از گذشته تا به حال، میراث‌های فرهنگی بسیاری چه از جنس طلا و چه از جنس عناصر دیگر را برای روشن شدن زوایای تاریک تاریخ، به جامعه‌ی بشری ارائه کرده است. بنابراین، تا آن‌جا که من هم شنیده‌ام اسلاف ما، در حِرَف مختلف، گاهی به این اشیا دسترسی پیدا می‌کردند، اما در این زمان خبری نیست. اکنون، شمش طلا را اجباراً از تهران خریداری می‌کنیم و به صورت طلای ۱۸ عیار تغییر می‌دهیم و مورد استفاده قرار می‌دهیم.

البته شاید کسانی که قبل از ما به اشیای طلایی تاریخی دسترسی پیدا می‌کردند، واقعاً به لحاظ ناآگاهی و نداشتن بینش و تخصص لازم، در این زمینه ارزش آن‌را نمی‌دانستند و فقط عیار طلا و وزن آن به نظرشان مهم بود که آن‌را هم به قیمت بسیار ناچیزی معامله می‌کردند.

آیا شما آمادگی ساخت اشیای بدلی از روی اشیاء کشف شده برای استقرار در موزهی نهاوند را دارید؟

اگر اصل این اشیاء، چنانچه در دسترس قرار گیرند، می‌توان نمونه‌های بدلی آن‌ها را از مفرغ یا هر فلز ارزان قیمت دیگری ساخت و در موزه قرار داد. البته با این توضیح که مثلاً اصل این اثر در فلان موزه است و شیء حاضر نمونه‌ی بدلی آن است و باید طبیعتاً نام صنعت‌گر و سازنده‌ی آن هم مشخص شود.

در گذشته سبک کارهای زمان اشکانیان و هخامنشیان از فلز نقره توسط صنعت‌گری در کرمانشاه ساخته می‌شد، که نمونه‌هایی از آن را در اختیار دارم و در صورت لزوم برای ملاحظه تقدیم می‌کنم. ضمناً در موزه‌ی نیویورک آمریکا آثار مکشوفه از تپه‌ی گیان نهاوند توسط پروفیسور گریشمن یا از قلعه و یا از معبد لائودیسه را با قید کلیه‌ی اطلاعات لازم در منطقه از نزدیک مشاهده کرده‌ام. متأسفانه در حفاری‌های غیرمجاز که بعضاً از نقاط مختلف ایران مثل منطقه‌ی هلیل رود جیرفت، که واقعاً یک دفینه‌ی گران‌بها از تاریخ بشریت از عهد دقیانوس است، توسط حفاران غیرمجاز در معرض سوءاستفاده و تهدید قرار گرفته است. امیدوارم دست اندرکاران توجه بیش‌تری به این امر خطیر داشته باشند.

لطفاً چنانچه از گذشته بازهم خاطراتی دارید بیان بفرمایید.

همان‌طوری که اشاره کردم، از جمله استادانم، در ابتدا مرحوم حاج شکرالله جواهری بود که از مشتریان سفارش می‌گرفت. یک‌بار قول ساخت یک عدد زنجیر طلائی مخصوص را به یکی از مشتریان داده بود که تا آن‌زمان در نهاوند وجود نداشت. حاج آقا برای این

منظور به بروجرده مسافرت کرد و گویا در بروجرده هم موفق به تهیه‌ی آن نشد. لذا هنگام بازگشت، با توجه به این که مردم آن روزگار از جمله استاد ما برای قول و قرار خود با اشخاص اهمیت والایی قائل بودند، بسیار آشفته شده بود و مرتب جمله‌ی چه باید کرد را با خود تکرار می‌کرد. بالأخره من به خود جرئت دادم و زنجیری را، که در همین فاصله کوتاه برای اولین بار ساخته بودم، به ایشان تقدیم کردم. ابتدا باور نمی‌کردند چگونه این اتفاق صورت گرفته است، به‌هر حال استاد، مرا خیلی مورد لطف و تشویق قرار داد و موضوع به خیر و خوشی به سرانجام رسید.

به‌هر حال کار طلا و عتیقه جات به‌طور کلی دارای پیچیدگی‌هایی است که قطعاً بازساخت آن‌ها تخصص و علاقه‌مندی بالایی را می‌طلبد. در این جا باز هم باید به مطلبی اشاره کنم و آن این است که از گذشته تا به حال اشخاصی در این حرفه زحماتی کشیده‌اند که جا دارد نامی از آن‌ها ببرم. مثلاً آقای آوزمانی محقق و نویسنده‌ی عصر حاضر دکتر کاشانی، که در رشته‌ی پزشکی تحصیل کرده بودند، ولی در کار عتیقه و طلا هم متخصص بودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علوم انسانی

آیا روی دست ساخته‌ها و آثار هنری تان نام خود و یا نام نهادند حک شده است؟ متأسفانه این کار صورت نگرفته، دلیل آن هم سوءاستفاده‌ی اشخاصی بوده است که این آثار را مدتی زیر خاک مدفون می‌کردند و به عنوان عتیقه به فروش می‌رساندند.

با تشکر از شما، در پایان اگر مطلب ناگفته و یا توصیه‌ای دارید بفرمایید.

در این جا لازم می‌دانم از صنعت قلم زنی و تذهیب کاری هم در نهاوند ذکری به میان آورم. از همشهریان محترم و معمر نهاوندی آقای حاج صادق حاجیان، از جمله صنعت گران قلم کاری بودند که به وسیله‌ی قالب‌های چوبی و با استفاده از ترکیبات رنگ‌های گیاهی بر روی پارچه‌ی متقال سفید، نقوشی را حک می‌کردند. این پارچه‌ها بیش تر به صورت سفره و جهاز نوعروسان و غیره مورد استفاده قرار می‌گرفت. فکر می‌کنم اگر مصاحبه‌ای با ایشان در این مورد صورت پذیرد اطلاعات مفیدی را در اختیار مجله فرهنگان قرار می‌دهند.

در خاتمه، این جانب در کسوت یک شاگرد زرگر بدون ادعا آمادگی آنرا دارم که دانش و تجربه‌ی خود را به هر صورت ممکن در اختیار مشتاقان و علاقه‌مندان این صنعت قرار دهم.

ضمناً از وقتی که در اختیار این جانب قرار دادید تشکر و قدردانی می‌کنم و توفیق همه‌ی همشهریان و دست‌اندرکاران فصل‌نامه‌ی وزین فرهنگان را از درگاه خداوند مسئلت دارم.

فصل‌نامه‌ی فرهنگان نیز برای شما آرزوی سلامتی و توفیقات روز افزون دارد.